

## ده سال پس از اسلو: استراتژی «جنگ مردمی» فلسطینی‌ها و واکنش نامناسب اسرائیل\*

جوئل فیش من  
مترجم: محمد تملایی

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هفتم، شماره ۲۴، پائیز ۱۳۸۳

### چکیده

در سیزدهم سپتامبر ۱۹۹۳، موافقت‌نامه صلحی به نام «پیمان اسلو» بین سران فلسطین و رژیم غاصب صهیونیستی امضا شد. اما بعد از گذشت ده سال از این فرایند، نه تنها صلحی بین دو طرف متخاصم واقع نشد، بلکه موجب بروز جنگ مردمی با شیوه‌ها و تاکتیکهای منحصر به فرد خود گردید. وسایل و شیوه‌های جنگ مردمی احتمالاً بهترین مورد جنگ نامتقارن به شمار می‌رود که یک جنبش مردمی را قادر به مبارزه با دشمن کاملاً برتر از نظر نظامی می‌سازد.

تا یک دهه قبل تصور می‌شد که فرایند صلح باعث بهبود رابطه متقابل اقتصادی - که پایه صلح و شکوفایی آینده است - می‌شود. اما به اعتقاد نویسندگان در حال حاضر، شرایط حاکم بر سرزمین اشغالی، تأثیر بدی بر اقتصاد رژیم اشغالگر گذاشته و تنش‌های اجتماعی را افزایش داده است. تعطیلی بسیاری از کارخانجات، کاهش صنعت توریسم و لغو پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری، نمونه‌هایی از این تأثیر است.

این مقاله که به وسیله یک اسرائیلی به نگارش در آمده به بررسی یک دهه مبارزه و درگیری مردم فلسطین و رژیم اشغالگر قدس می‌پردازد که الگوپذیری از مبارزات مردمی کشورهای چون: ویتنام، الجزایر، کوبا و چین را مد نظر قرار داده است. روشن است که استراتژی مبارزاتی فلسطینی‌ها طی چند سال اخیر متأثر از استراتژی موفق حزب‌الله در جنوب لبنان بود که نتیجه آن شکست و عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر صهیونیستی از سرزمینهای اشغالی جنوب لبنان بوده ولی نویسنده مقاله بدون هیچ اشاره‌ای به این الگو و مدل موفق و تأثیر آن بر استراتژی مبارزان فلسطینی‌ها موضوع را از زاویه دیگری مورد بررسی قرار داده است.

- اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین با پارادایم‌های کاملاً مختلف درگیری با یکدیگر مواجه شده‌اند.
- سازمان آزادیبخش فلسطین از اواخر دهه ۱۹۶۰ با پارادایم «جنگ مردمی» به پیشبرد سیاست‌های خود حتی پس از امضای پیمان اسلو پرداخته است.
- مطابق پارادایم «جنگ مردمی»، که یک الگوی مارکسیست - لنینیستی تجربه شده در چین و ویتنام است، درگیری در دو سطح سیاسی و نظامی صورت می‌گیرد، اما برای گروه‌های چریکی ضعیف‌تر، درگیری سیاسی، به خصوص مشروعیت‌زدایی از دشمن و گسستگی اجتماعی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.
- پیش از سال ۱۹۹۳، واکنش اسرائیل در قبال سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان یک تهدید تروریستی به صورت نظامی صورت می‌گرفت نه به صورت سیاسی. اما پس از این سال و با کنار کشیدن سازمان از مشی مبارزه مسلحانه، اسرائیل با استقبال از رهبری سازمان از علائم جنگ سیاسی این سازمان با خود چشم پوشی نمود (تحریک، اگرچه در تغییر اساسنامه سازمان، آرای سازمان ملل، کتابچه‌ها). اسرائیل بعدها بدون شناسایی علت این جنگ سیاسی، اقدام به شکایت از آن نمود.
- سنت‌های نهادینه شده اسرائیل تأکید خاصی بر رویکرد نظامی برای اتمام چالش‌های سیاسی که این کشور را در قبال فریب گسترده استراتژیک آسیب‌پذیر می‌نماید دارد.

### عدم درک استراتژی دشمن

آنچه از اهمیت شایانی برخوردار است، حمله به استراتژی دشمن است.

سان تزوا

در روز سیزدهم سپتامبر ۱۹۹۳، اسحاق رابین و یاسر عرفات در محوطه چمن کاخ سفید دستان یکدیگر را فشردند. شیمون پرز و محمود عباس (ابومازن) در حضور بیل کلینتون، کریستوفر (وزیر امور خارجه آمریکا) و کزیرف (وزیر امور خارجه روسیه) موافقت‌نامه‌ای را به منظور ایجاد فرآیند صلح بین اسرائیل و سازمان

آزادیبخش فلسطین امضا کردند. یک دهه از این رویداد خوش‌بینانه گذشته و اسرائیل بیش از ۱۰۸۰ نفر کشته تلفات داده است؛ ۲۵۶ نفر از زمان امضای پیمان اسلو تا سپتامبر ۲۰۰۰ و ۸۲۴ نفر از سپتامبر ۲۰۰۰ تا اول ژوئن ۲۰۰۳. این تعداد به نسبت جمعیت، معادل کشته شدن ۴۹۰۰۰ شهروند آمریکایی است. هزینه انسانی اسرائیل در پی پیمان اسلو، بیش از جنگ فرسایشی کانال سوئز (۱۹۶۸ - ۱۹۷۰) بوده است. شرایط جنگ ممتد، تأثیر بدی بر اقتصاد اسرائیل گذاشته و تنشهای اجتماعی را افزایش داده است.

این حقایق پرسشهایی جدی را مطرح می‌کند: آیا این توافق موجب بهبود وضعیت اسرائیل شده یا اوضاع را بدتر کرده است؟ آیا سیاستها دچار اشکال بوده‌اند؟ اگر صلح وجود ندارد پس چه چیزی وجود دارد و به کدام سو می‌رود؟ مشکل اسرائیل ناشی از عدم درک اهداف استراتژیک دشمن و گزینش وسایل و روشهای آن است. واضح است که رهبری اسرائیل در برآورد اهداف و تعهدات دشمن خود ناموفق بوده است. چند تن از اعضای رهبری فلسطین به صراحت اعلام کردند که با تردید وارد فرآیند صلح شده‌اند.<sup>۳</sup>

به عنوان نمونه؛ فیصل حسینی (۲۰۰۱-۱۹۴۰) که رسانه‌ها از وی به عنوان یک «میان‌روی فلسطینی» یاد می‌کردند، طی مصاحبه‌ای با روزنامه «العربی» مصر اظهار داشت که: پیمان اسلو یک «اسب تروایی» برای فریب بود. وی به وضوح گفت که: سازمان آزادیبخش فلسطین برای داشتن جای پای در سرزمین اسرائیل حاضر به امضای این پیمان شد تا بدین وسیله اقدام به جنگ چریکی دائم و اضمحلال کشور یهود و جایگزین کردن یک فلسطین عربی نماید. وی از استراتژی زمان‌بندی شده‌ای یاد کرد که سازمان متبوعش در ژوئن ۱۹۷۴ اتخاذ نموده بود. این برنامه که به «استراتژی مراحل» نیز مشهور است، در پی ایجاد یک کشور فلسطینی در هر نقطه از کشور حتی از طریق فرایند مذاکرات می‌باشد.<sup>۴</sup>

شما مرا وا می‌دارید تا در مورد اهداف استراتژیک و اهداف سیاسی خود یا اهداف زمان‌بندی شده [تأکید از نویسنده است] صحبت کنم. اهداف استراتژیک عبارتند از؛ اهداف عالی، اهداف بلند مدت یا اهداف ثابت که بر اساس اصول و حقوق تاریخی پان عربی استوار است. در حالی که اهداف سیاسی

اهدافی هستند که برای یک چارچوب زمانی موقت با توجه به نظام موجود بین‌المللی، توازن قوا، توانایی‌های ما و سایر مسائلی که دائماً در تغییرند پی‌ریزی می‌شوند.

هنگامی که ما از تمامی نیروها و گروه‌های فلسطینی می‌خواهیم تا پیمان اسلو و سایر پیمانها را به عنوان «رویه موقت» یا اهداف زمان‌بندی شده لحاظ کنند، این امر به این معناست که ما در کمین اسرائیلی‌ها و فریب آنها هستیم [تأکید از نویسنده است].

هدف نهایی ما [هنوز هم] آزادسازی فلسطین تاریخی از رود اردن تا دریای مدیترانه است. حتی اگر این امر به معنای ادامه یافتن درگیری برای هزار سال دیگر یا نسل‌های متوالی باشد.<sup>۵</sup>

هیچ نشانه‌ای دال بر «طرف صلح» یا خوب بودن همسایه آینده دیده نمی‌شود. شایان ذکر است که اعلام صریح این مواضع، موجب بروز مباحث جدی در اسرائیل و تأثیر طولانی مدت نشده است. از یک طرف، سیاست‌گذاران اسرائیل با عدم توجه به این بیانات شفاف، به انکار آن می‌پردازند و از جانب دیگر دولت فلسطینی نیز این مواضع را تأیید می‌کند.

دولت خودگردان فلسطین یک دموکراسی نیست، بلکه یک حکومت تمامیت خواه در حال شدن می‌باشد.<sup>۶</sup> به گفته «هانا آرنه»، یکی از ویژگی‌های این رژیمها این است که با آنکه در بسیاری جهات مانند یک انجمن مخفی عمل می‌کنند، کاملاً در مورد اعلام اهداف واقعی خود صریح هستند.<sup>۷</sup>

علی‌رغم چنین رویدادهای اخلال‌گرانه‌ای نظیر بمب‌گذاری در اتوبوس و تحریکات ضد یهودی، تصور عمومی بر این است که سازمان آزادیبخش فلسطین با امضای پیمان اسلو، عصر جدیدی را با کنار گذاشتن مبارزه، پذیرش موجودیت اسرائیل و مشارکت در ایجاد یک کشور مستقل آغاز کرده است. رهبران اسرائیل و امریکا نمی‌توانستند با رویدادهای مکرر دائم به عنوان پدیده‌ای طبیعی همچون صاعقه یا زلزله برخورد کنند. نمی‌توان واقعیت تروریسم را بدون زیر سؤال بودن کل فرآیند صلح، رسماً شناسایی نمود. به علاوه انطباق با واقعیت مستلزم پذیرش راهکاری غیر از وضعیت فعلی بود. لذا با وجود این الگوهای سیاسی، به سختی

می‌توان اعمال تروریستی و خشونت‌آمیز را در قبال جامعه غیرنظامی اسرائیل به عنوان بخش مکمل استراتژی فلسطین - که به صورت قاعده و نه استثناست - در ملاً عام اظهار داشت.

طی دوره موسوم به «مرحله آزادسازی کامل» (۱۹۷۴-۱۹۶۹)، جایگاه ساف از لحاظ سیاسی و فرهنگی در بین سایر جنبشهای آزادیخواه ضد استعماری سوسیالیستی مستحکم گردید.<sup>۸</sup> به گفته «باری روبین»<sup>\*</sup> این سازمان با پیروی از الگوی چریکهای مارکسیست - لنینیست چین، کوبا و ویتنام مبادرت به «جنگ مردمی» نمود. وی اهداف این جنگ مردمی و نحوه درک این استراتژی را در آن زمان توسط ساف تشریح کرد. اظهارات ذیل با نظرات فیصل حسینی که پیشتر ذکر شد، کاملاً هماهنگ است:

هدف ساف در اسرائیل نه تنها دولت، بلکه خود مردم بود. بنابراین از آنجا که ساف با یک جامعه و نه یک ارتش، پس از اشغال سال ۱۹۶۷ در جنگ بود، تمامی اعضای جامعه اسرائیل یک هدف مشروع به شمار می‌رفت. «فلسطین الشوره» ارگان ساف در سال ۱۹۶۸ اشاره داشت که هدف این سازمان «نه تنها تحمیل اراده ما به دشمن، بلکه از بین بردن آن برای گرفتن جای آن ... نه تنها تسلیم کردن دشمن، بلکه از بین بردن آن است»<sup>۹</sup>.

### درسهایی از جنبشهای آزادیبخش سوسیالیستی

سازمان ساف در تلاش برای یافتن متحدین، افراد متخصص و تسلیحات، به خصوص در جهان سوسیالیست به نمونه‌های جنبشهای آزادیبخش روی آورد. تجربیات چین، کوبا و ویتنام از اهمیت خاصی برخوردار بودند. آنها از تجربه انقلاب الجزایر الهام گرفته و از مشاوره‌های تخصصی در مورد خود استفاده می‌کردند.<sup>۱۰</sup> شعار اصلی فلسطینیان تا پیش از مشاوره با الجزایری‌ها عبارت بود از: «ریختن یهودیان به دریا». آنها با راهنمایی الجزایری‌ها از مضامین و ادبیات متفاوتی سود جستند. به علاوه با آنکه، ارتش فرانسه در جنگ با الجزایر پیروز شده بود، پیروزی

\* Barry Rubin

الجزایر بر فرانسه تا حدود زیادی تحت تأثیر آرای افکار عمومی فرانسه و کشورهای مهم عضو ناتو که با فرانسه مخالف بودند حاصل شد.<sup>۱۱</sup> این تنها یک نمونه از استفاده مؤثر از تبلیغات به مثابه ابزاری برای جنگ سیاسی (همانند الگوی ویتنامی) است. پس از جنگ شش روزه، محمد یزید که وزیر اطلاعات در دو دولت زمان جنگ الجزایر بود (۱۹۶۲-۱۹۵۸) اصول ذیل را به مسئولین تبلیغات فلسطین ابلاغ کرد:

این استدلال را که اسرائیل کشور کوچکی است موجودیت آن مورد تهدید کشورهای عربی است یا کاهش مسأله فلسطین به مسأله پناهندگان، از ذهن پاک کنید؛ در عوض جدال فلسطینیان را نظیر دیگران جدالی برای آزادیخواهی جلوه‌گر سازید.

این مسأله را که در کشمکش بین فلسطینیان و صهیونیست‌ها، صهیونیست‌ها ضعیف‌ترند پاک کنید. اکنون اعراب مظلوم واقع شده‌اند؛ زیرا نه تنها با صهیونیست‌ها بلکه با امپریالیسم جهانی رویارویند.<sup>۱۲</sup>

طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، نخبگان ساف روابط نزدیکی با شوروی و کشورهای بلوک شرق، نظیر آلمان شرقی و رومانی برقرار کردند.<sup>۱۳</sup> رابطه بین ساف و شوروی به علت هدف مسکو در نفوذ سیاسی در منطقه، تا حدودی متفاوت بود.<sup>۱۴</sup> گرچه رابطه بین ساف و شوروی به دهه ۱۹۶۰ باز می‌گشت، ولی در سال ۱۹۷۴ بود که ساف به طور رسمی یک دفتر منافع در مسکو دایر نمود. این سازمان حداکثر پشتیبانی خود را از مسکو در تهاجم سال ۱۹۷۹ شوروی به افغانستان، اعلام نمود.<sup>۱۵</sup> بسیاری از فلسطینیان از آموزشهای جنگ، جاسوسی و تلقین عقاید در کشورهای کمونیستی برخوردار شدند.<sup>۱۶</sup> محمود عباس (ابومازن)، نخست‌وزیر کنونی حکومت خودگردان، یک مثال عینی است که دکترای خود را از دانشکده شرقی مسکو در سال ۱۹۸۲ دریافت کرد.<sup>۱۷</sup> با اینکه تعیین نوع دقیق آموزش افراد در کشورهای سوسیالیستی مذکور ممکن نیست، اما تجربه جمعی آنها نشانگر عقاید مربوط به دکترین نظامی است.

در سال ۱۹۷۰، که روابط ساف و شوروی به تیرگی گرایید، چین و ویتنام با دعوت از یاسر عرفات و ابوعیاد به ساف نزدیک شدند. «ژوان لایی» از این دو در

چین استقبال کرد و پشتیبانی همه جانبه کشور خود را از آنها اعلام نمود.<sup>۱۸</sup> اقامت دو هفته‌ای این دو در ویتنام به میزبانی سخاوتمندانه آنها ژنرال فونگیون جی‌اپ (متولد ۱۹۱۲) سر دسته شورشیان نسل خود بود. بنا به گزارشها، ابوعیاد از ویتنامی‌ها پرسید که چرا افکار عمومی غرب، نبرد مسلحانه فلسطینیان را تروریسم می‌داند در حالی که نبرد ویتنام مورد تحسین و پشتیبانی واقع می‌شود.

در پاسخ به این پرسش، ویتنامی‌ها سازمان ساف را به کار روی اهداف به صورت مرحله‌ای تشویق نمودند تا با سرپوش گذاشتن بر اهداف واقعی خود و فریب استراتژیک، ظاهر میانه روی را ارائه دهند.<sup>۱۹</sup> آنها همچنین فلسطینیان را به آلت دست قرار دادن رسانه‌های خبری آمریکا هدایت کردند.<sup>۲۰</sup> جی‌اپ به عرفات پیشنهاد کرد:

با هر وسیله ممکن به نبرد بپردازید... اگر جنگ منظم لازم است از این طریق و گرنه از هر طریق ممکن سیاسی و نظامی و با پشتیبانی بین‌المللی به پیروزی برسید.<sup>۲۱</sup> در واقع؛ ژنرال جی‌اپ با این کلمات، عصاره جنگ مردمی را تشریح نمود.

این نخستین دیدار مقامهای ارشد فلسطینی از ویتنام شمالی نبود. در سال ۱۹۶۴ «فتح» پیش از ادغام با ساف، «ابوجهاد» را - که بعدها رهبر عملیات نظامی ساف شد - به چین و ویتنام شمالی فرستاده بود تا استراتژی و تاکتیک جنگ چریکی را مورد مطالعه قرار دهد. این بازدیدها بر اندیشه نظامی وی آنچنان تأثیر گذاشت که وی بعدها، نیاز به یک جنگ رهایی‌بخش مردمی را اعلام نمود.<sup>۲۲</sup> شایان ذکر است که فتح نوشته‌های جی‌اپ و نیز آثار مائو و چه‌گوارا به عربی ترجمه کرد؛<sup>۲۳</sup> لذا سازمان (PFLP) نیز پس از ادغام با ساف، از نوشته‌های مائو و جی‌اپ به عنوان بخشی از آموزشهای نظامی فدائیان خود در اواخر دهه ۶۰ سود جست.<sup>۲۴</sup>

### جنگ مردمی: عملیات نظامی به مثابه پیوست سیاست

به گفته «استفان پوسونی»، یکی از استراتژیست‌های تأثیرگذار آمریکایی، جنگ مردمی عبارت است از «برخورد جوامع» که دارای ابعاد سیاسی و نظامی و نمودهای خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز است. وی که تأثیر چشمگیری بر «رونالد ریگان» داشت، نقاط ضعف استراتژیک شوروی و نحوه استفاده از آن را شناسایی نمود. به نظر وی؛ «جنگ مردمی یک درگیری سیاسی با عملیات نظامی به مثابه پیوست

سیاست» است.<sup>۲۵</sup>

وسایل و روشهای جنگ مردمی احتمالاً بهترین مورد جنگ نامتقارن به شمار می‌رود که جنبش شورش طلب را قادر به مبارزه با دشمن کاملاً برتر از نظر نظامی می‌سازد. شایان اهمیت است که سیاستگذاران اسرائیل از اصول و دکترین عملیاتی آن آگاه شوند؛ زیرا حکومت خود گردان همین نوع جنگ را بر اسرائیل تحمیل کرده است.

امضای پیمان اسلو نه تنها منجر به ترک مخاصمات خشونت‌بار گذشته فلسطینیان نشد، بلکه تداوم اندیشه، اهداف و تاکتیک متمایزی را باعث شد. در این بحث، موضوع جنگ مردمی و ارزیابی نقاط ضعف و قوت نسبی هر یک از طرفین مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۲۶</sup>

### زمینه‌های تاریخی جنگ مردمی

به منظور درک ماهیت جنگ مردمی، تشریح منشأ و شکل‌گیری آن ضروری است. دکترین جنگ مردمی بر پایه نظریه نظامی شوروی به علاوه ابداعات و اصلاحات اندیشمندان آسیایی پی‌ریزی شده است. استفاده موفقیت‌آمیز از این دکترین منجر به پیروزی کمونیست‌های چینی بر ملی‌گرایان و تولد جمهوری خلق چین شد. یک نسل بعد، ژنرال ویتنامی «فونگ‌وین جیاپ» که نیروهای آمریکایی و فرانسوی را شکست داده بود نظرات خود را ارائه کرد.

«هریت»\* و «ویلیام اسکات»\*\* نظریه نظامی شوروی (مارکسیست - لنینیست) و ادبیات ویژه آن را مورد تحلیل قرار دادند.<sup>۲۷</sup> این اندیشه یک چارچوب ایدئولوژیک ارائه می‌نماید که هدف اصلی سیاسی را معطوف به استفاده نظامی می‌کند. در نظریه شوروی گسترده‌ترین مقوله اندیشه اصلی موسوم به «دکترین»، پایه ایدئولوژیک سیاست و خط مشی را تشکیل می‌دهد.<sup>۲۸</sup> این نظام ساختاری اندیشه، که نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۲۰ پی‌ریزی شد، پایه نظریه نظامی شوروی حتی پس از تبدیل این کشور به ابر قدرت جهانی با قابلیت متعارف و هسته‌ای گردید. با اینکه کمونیسم روسی امروز یک نیروی جهانی به شمار نمی‌رود، دکترین نظامی آن زنده و پویاست.

\* Harriet

\*\* William Scott



دکترین نظامی یکسان شوروی که تأثیر اندیشه نظامی آلمان را به همراه دارد<sup>۲۹</sup> دارای دو جنبه سیاسی و نظامی است که جنبه سیاسی آن بر جنبه نظامی تقدم دارد و هدف اصلی آن نیز پیروزی کمونیسم بر کاپیتالیسم است.

هنگامی که شوروی در دهه ۱۹۲۰ دکترین نظامی را صادر می‌کرد، این الگو بر اساس عقیده بسیج پشتیبانی پرولتاریای شهری استوار بود. اما این رویکرد در چین که گروه‌های جمعیتی آن کوچک بود و دولت ملی‌گرا (کومینتانگ) از یک ارتش مجهز (با مستشاران آلمانی) سود می‌جست و قادر به حفظ شهرهای مهم بود، جواب نمی‌داد.

«مائوتسه تونگ» پس از تحمل تلفات سنگین در سپتامبر ۱۹۳۰ «حیاتی‌ترین تصمیم تاریخ حزب کمونیست چین» را اتخاذ نمود. وی به جای رویکرد روسی یک راه حل نوین ارائه کرد.<sup>۳۰</sup> مائوتسه تونگ که به روش متعارف قادر به رویارویی با دشمنان خود نبود، اقدام به بسیج دهقانان، جابجایی جنگ از شهرها به روستاها و حفظ نیروهای خود از طریق حرکت و عقب نشینی نمود.

مائو از جنگ فرسایشی دفاع می‌کرد؛ زیرا «هیچ روش مطمئن دیگری برای تضعیف و خسته کردن دشمن قویتر وجود ندارد»<sup>۳۱</sup>. در اینجا بعد انسانی آشکار می‌گردد. استراتژی و تاکتیک مناسب نقاط ضعف نسبی را جبران کرده و باعث ایجاد موازنه می‌شود. در غرب تمایل به استفاده از برتری نظامی به شکل سخت افزار و توان آتش که همیشه نشانه مطمئنی از قدرت واقعی بوده، نیست.<sup>۳۲</sup> «لین پیائو» (۱۹۷۱-۱۹۰۷) که تا زمان مرگ، جانشین مائو باقی ماند، با دفاع از اصول جنگ مردمی در مقیاس جهانی؛ یعنی محاصره کشورهای کاپیتالیستی توسط روستاهای جهان، به گسترش آن پرداخت. بنابر این عقیده، آمریکای شمالی و اروپای غربی نماینده شهرهای جهان، و آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نماینده روستاهای جهان می‌باشند.<sup>۳۳</sup>

ویتنامی‌ها به خصوص تحت هدایت ژنرال جی‌اپ، در چارچوب جنگ چریکی باقی ماندند اما عملگرتر ظاهر شدند. جی‌اپ به طور خودکار رویکرد چین و محدودیت‌های ایدئولوژیک آن را نپذیرفت.<sup>۳۴</sup> وی طی یک مصاحبه اظهار نمود که: جنگ چریکی تنها یکی از جنبه‌های جنگ مردمی است.

در درک شخصی وی از این واژه، «جنگ مردمی، دارای استراتژی فراتر از حرکت

نظامی صرف» می‌باشد. همواره یک جنبه ترکیبی نیز با استراتژی وجود دارد. استراتژی ما به طور همزمان، نظامی، سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک بود. هر چند در این میان، عنصر نظامی مهمترین عنصر به شمار می‌رفت.<sup>۳۵</sup>

یکی از نوآوریهای جی‌اچ‌اچ، استفاده از رسانه‌های خبری غرب به گونه‌ای بود که از آزادی و آسیب‌پذیری جوامع بازدموکراتیک به سود خود بهره‌گیرد. وی می‌دانست که تأثیر رویدادهای پخش شده در رسانه‌ها بسیار قاطع است. مثلاً در سال ۱۹۵۴، با وجود شکست تنها چهار درصد از نیروهای فرانسه در «دین بین فو» هندوچین، شوک حاصل از این امر در فرانسه منجر به لغو پشتیبانی داخلی از جنگ فرانسه شد.<sup>۳۶</sup> همچنین علی‌رغم عملیات آفندی «نت» در سال ۱۹۶۸، که موجب شکست «ویت کنگ»‌ها شد و تعداد تلفات آمریکا نسبتاً کم بود، اما رسانه‌های خبری آمریکا تأثیر استراتژیکی مشابه رویداد دره «دین بین فو» گذاشتند.<sup>۳۷</sup> به علاوه ژنرال جی‌اچ‌اچ از رسانه تلویزیون (به کمک آمریکایی‌های مشتاق) برای لغو پشتیبانی عمومی داخلی آمریکاییان از جنگ ویتنام بهره‌جست. وی افزود:

«در سال ۱۹۶۸ من متوجه شدم که نمی‌توانم با پانصد هزار نیروی آمریکایی که در ویتنام مستقر شده بودند مبارزه کرد. من نمی‌توانستم ناوگان هفتم را با صدها فروند هواپیمایش شکست دهم، اما می‌توانستم تصاویری به آمریکا مخابره کنم که خواهان توقف جنگ شوند.»<sup>۳۸</sup>

در بازنگری اندیشه نظامی مارکسیست - لنینیستی، ضمن اشاره به تقدم دکترین سیاسی بر دکترین نظامی متذکر شدیم که هدف سیاسی اصلی این نظام که موجب بروز این نوع جنگ شد، تضمین پیروزی کمونیسم بر کاپیتالیسم بود. اما در سال ۱۹۸۸، شوروی رسماً تصمیم گرفت که هدف سیاسی اصلی خود را تغییر دهد؛ دیگر از «تبرد طبقات» سخنی در بین نبود بلکه یک واژه نوین فریبنده برای همین منظور استفاده می‌شد: «تبرد برای صلح»<sup>۳۹</sup>.

### جنگ مردمی و دکترین عملیاتی آن

در سال ۱۹۷۰، «استفان پوسونی» ویزگیهای جنگ مردمی را به ترتیب ذیل برشمرد:<sup>۴۰</sup>

- جنگ مردمی یک انقلاب طولانی مدت و فرسایشی است؛ - مدت زمان طولانی

آن برای چریکها و شکست دادن سیاسی، اخلاقی و اقتصادی دشمنان آنها مناسب است؛<sup>۴۱</sup> - عملی‌ترین هدف چریکی ایجاد شرایط هرج و مرج در کشور هدف و مانع تراشی برای ایجاد یک دولت خوب و کار آمد است.

- مضمون کلیدی جنگ مردمی ایجاد یک قدرت دوگانه با جنگ چریکی است. قدرت دوگانه به معنای وجود دو نهاد قدرت، مسئولان و کابینه شبه دولتی است که در کنار هم به رقابت بپردازند. انتقال قدرت از دولت شماره یک به دولت شماره دو با کم رنگ شدن وفاداری مردم به دولت سابق و امیدواری به دولت جدید صورت می‌گیرد و در عین حال مشروعیت آن نیز حفظ می‌شود. این انتقال مستلزم یک فرآیند انقلابی است. پیروزی به این معناست که یکی از دولت‌ها حاکم شود و شکست به این معناست که یکی از دولت‌ها (یا رژیم‌ها) از بین برود. انتقال وفاداری به میزان زیادی بستگی به موفقیت عملیات چریکی خشونت‌آمیز دارد.<sup>۴۲</sup>

برخی از روشهای تاکتیکی جنگ مردمی عبارتند از:

۱- استفاده از تبلیغات برای مشروعیت زدایی از دشمن و محروم ساختن آن از حمایت خارجی؛ تبلیغات روش اصلی حذف مشروعیت و انتساب آن به نیروی جدید است.<sup>۴۳</sup> در این زمینه، تبلیغات دارای یک هدف ویژه است: «جنگ در اخبار شنیده می‌شود و سالها ادامه دارد، اما عقاید عمومی جهانی، پیروزی شورشیان را اجتناب‌ناپذیر و محترم دانسته و آن را می‌پذیرد»<sup>۴۴</sup>.

۲- تخریب اقتصاد دشمن؛

۳- ضدیت با نظامی‌گری و تشویق به ترک ارتش، تحریک به شورش و تمرد؛<sup>۴۵</sup>

۴- ایجاد وحشت گسترده به منظور عملیات روانی برای تضعیف روحیه نیروهای دشمن و تقویت چریکها؛<sup>۴۶</sup>

۵- تأمین امنیت اطلاعات و مخفی نگه داشتن اطلاعات از دشمن.<sup>۴۷</sup>

علاوه بر این تاکتیکهای خاص، چندین اصل اساسی نیز باید توسط گروه شورشگر رعایت گردد:

۱- حفظ موجودیت؛

۲- تغییر سرعت تخصصات؛ و

۳- تأمین و حفظ مخفیگاه‌ها و جابجایی.

هدف عمده نیروهای شورشگر، خواه خشونت‌آمیز باشد یا نه، پرهیز از نابودی

است. به همین منظور باید از سازماندهی متمرکز و نبرد آشکار پیشگیری کرد. نیروی شورشگر به دنبال سرعت بالا نیست بلکه در پی رشد و بقای بلند مدت است.<sup>۴۸</sup> با توجه به سرعت تخصصات، جنگ دور می‌شود و باز می‌گردد. مدیریت استراتژیک را می‌توان با جابجایی مراکز ثقل، انحرافات متعدد، تغییر اهداف و از طریق اختفا و تبلیغات ارتقاء داد.<sup>۴۹</sup>

### نمودهای «جنگ مردمی» فلسطین

درگیری حاضر با فلسطینیان دارای ویژگیهای اصلی یک جنگ مردمی است. این درگیری بخشی از یک استراتژی زمان‌بندی شده اصلی است. روش آن بر اساس چارچوب زمانی گسترده عبارت است از: شکست دادن اسرائیل از طریق تضعیف روحیه شهروندان آن و کاهش توانایی نبرد آن کشور با حمله به پشت جبهه (غیر نظامیان)، تخریب اقتصاد و ایجاد تفرقه برای اختلال در انسجام اخلاقی و اجتماعی آن. بنابراین اجازه دهید اثرات جنگ مردمی را بر جامعه اسرائیل و توانایی آن برای ایستادگی در قبال این نوع شورش را مورد بحث قرار دهیم.

### استفاده از جنگ اقتصادی برای شکست دادن دشمن

علی‌رغم ارائه گزارشهای دائم مبنی بر وجود مشکلات اقتصادی در اسرائیل، کسی نمی‌داند که این امر تنها تا حدودی ناشی از بحران اقتصاد جهانی یا سوء مدیریت محلی است، در حالی که این مشکل عمداً ایجاد شده است.

گزارشهای خبری از فروپاشی نظام بهداشت همگانی خبر داده و آمار نشاندهنده رشد روز افزون بیکاری است. تا یک دهه قبل تصور می‌شد که «فرآیند صلح» باعث بهبود روابط متقابل اقتصادی که پایه صلح و شکوفایی آینده است، خواهد شد. با شروع مبارزات فلسطینیان در سپتامبر سال ۲۰۰۰، نتایج اقتصادی قابل توجهی به بار آورد که از آن جمله می‌توان به بسته شدن کارخانجات و تجارتخانه‌ها، از بین رفتن جهانگردی و لغو پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری که به نفع فلسطینیان بود اشاره کرد.<sup>۵۰</sup>

## تروریسم و بسیج داخلی

به گفته پوسونی، ترور دومین عملیات مهم چریکی است. ترور گزینشی، عضلات، اعصاب و مغز دشمن را مورد هدف قرار می‌دهد. ترور افراد غیر نظامی به منظور نیل بر همکاری و حمایت و جذب نیرو صورت می‌گیرد و ترور همگانی، عملیاتی روانی برای تضعیف روحیه نیروهای دشمن و تقویت چریکهاست.<sup>۵۱</sup>

طی توافقات پیمان اسلو در دهه ۱۹۹۰، اسرائیلی‌ها به طور مرتب از تحریکات رسانه‌های فلسطینی و نفرت آنان از اسرائیل در کتابهای درسی، شکایت داشتند. از منظر «جنگ مردمی» تحریک رسانه‌ای و مدارس، بخشی از بسیج داخلی جامعه فلسطین برای ادامه درگیری بلند مدت و آماده کردن مردم برای قربانی شدن در جنگ است. تحریکات رسانه‌ای و کتابهای درسی، بیانگر قصد رهبری فلسطین برای تحمیل درگیری دائم بوده و چیزی فراتر از انحراف از فرآیند صلح به شمار می‌رود.

در واقع این فرآیند به طور دائم با تروریسم توأم بوده است. به گفته سخنگوی نیروهای دفاعی اسرائیل، از سپتامبر سال ۲۰۰۰ تا پایان ژوئن ۲۰۰۳، هجده هزار رویداد تروریستی\* شامل تلاشهای ناموفق<sup>۵۲</sup> - با میانگین روزانه هجده مورد - در اسرائیل به وقوع پیوسته است.

اگر تسلیحات غیر قانونی کشتی‌های توقیف شده Karine-A و santorini و سایر موارد حمل سلاح به مقصد می‌رسیدند، قدرت - فلسطینیان را در انهدام تانکها و برخی انواع هواپیماها و هلی کوپترها و همچنین تهدید موشکی حزب‌الله را علیه شمال اسرائیل افزایش می‌دادند.<sup>۵۳</sup> این سناریو نشان دهنده یک جنگ واقعی است که تاکنون اسرائیل از آن در امان مانده است. با اینکه نیروهای چریکی با استفاده از فناوری نه چندان پیشرفته می‌توانند به پیروزیهای قاطعی برسند،<sup>۵۴</sup> اما با این حال توانایی فناوری دولت خودگردان دائماً در حال افزایش است.

طبق طرح، ایجاد یک ارتش متعارف، مرحله‌ای است که پس از جنگ چریکی حاصل می‌شود. جنگ مردمی در چین و ویتنام گر چه به عنوان عملیات چریکی آغاز شد، اما ارتشهای متعارف کار را به اتمام رساندند. «استراتژی مراحل» سال ۱۹۷۴ سازمان آزادیبخش فلسطین براین قضیه استوار بود که ساف در آخرین

\* باید توجه داشت که بر خلاف نظر نویسنده مقاله، مبارزه علیه نیروهای اشغالگر تروریسم نمی‌باشد بلکه نبردی آزادیبخش است که توسط فلسطینی‌ها علیه نیروهای اشغالگر صهیونیست به اجرا در می‌آید (مترجم).

مرحله آن، حکومت‌های عرب را به ایجاد یک ائتلاف عظیم از ارتش‌های متعارف برای تهاجم و محو اسرائیل تحریک نماید. چند سال بعد، این سناریو تکرار شد. ساف درست پیش از آغاز جنگ سال ۱۹۸۲ لبنان، یگانهای خود را در جنوب لبنان به شکل تشکیلات نظامی منظم سازماندهی و آمادگی آنها را برای تغییر جهت جنگ چریکی به سازماندهی نظامی متعارف اعلام کرد.<sup>۵۵</sup> این تشکیلات فلسطینی در آینده می‌بایست بخشی از ائتلاف جبهه شرق، شامل اردن، سوریه و عراق گردد. در دهه ۱۹۹۰ و امروز، برنامه‌های خبری تلویزیون، حکومت خودگردان را در حال تشکیل چنین ارتشی - این بار تحت عنوان ایجاد نیرویی برای مبارزه با تروریسم نشان می‌دهد. فلسطینی‌ها ۳۹۰۰۰ نیروی پلیس را که فراتر از حد ۳۰۰۰۰ نفری است پذیرفته‌اند و احتمال می‌رود تعداد آنها بسیار بیشتر از میزان اعلام شده باشد. فرمانده پلیس فلسطین در کرانه باختری همان «حاج اسماعیل» است که رئیس تشکیلات نظامی ساف در جنوب لبنان طی اوائل دهه ۱۹۸۰ بود. آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به تأمین مالی این پروژه و سازمان سیا نیز به ارائه آموزش تخصصی آن پرداخته‌اند که ممکن است علیه خود اسرائیل در جنگ مردمی فلسطین به کار رود. (در این زمینه، آموزش‌های نظامی نیروهای اسلامی افغانستان توسط آمریکا باید مد نظر قرار گیرد.)

### تبلیغات

مشروعیت‌زدایی از اسرائیل، مضمون اصلی تبلیغات فلسطینیان در مجامع بین‌المللی، نظیر سازمان ملل متحد است. این موضوع در نخستین سخنرانی یاسر عرفات در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۴ و برای تصویب قطعنامه ۱۹۷۵ «صهیونیسم نژادپرستی است» اعلام شد. بنابر این هدف نهایی تبلیغات، انتقال مشروعیت از حکومت اسرائیل به حکومت فلسطین، یعنی فرآیند «جایگزینی» است. در واقع، عرفات در نخستین نطق خود به مشروعیت اسرائیل به عنوان یک «ماهیت نژادپرست» که ریشه در «مفهوم امپریالیستی استعماری» دارد حمله و سپس از آن مکرراً در مورد مشروعیت ساف صحبت کرد.

این امر یاد آور کشمکش پیشین کلیسا با یهودیان بود که طی آن سرپرستان کلیسا اقدام به جانسپینی «اسرائیل جدید» به جای «اسرائیل قدیم» یعنی یهودیان و

پیمان شکنی آنها (به زعم کلیسا) کردند.<sup>۵۶</sup> «منشور فلسطین» نیز با هدف جایگزینی حکومت اسرائیل، تولید همین تنفر است. با آنکه هم کلیسای پروتستان و هم کلیسای کاتولیک اقدام به مخالفت با یهود ستیزی نموده‌اند، فلسطینی‌ها کاسه داغ‌تر از آش شده‌اند. این امر را می‌توان در جعل تاریخ باستانی فلسطین به منظور ادعای مشروعیت که محققاً به مردم یهود تعلق دارد مشاهده کرد.<sup>۵۷</sup>

در سال ۱۹۹۳ نیز مشخص شد که ساف بدون توجه به توافقات دو جانبه طرفین به جنگ سیاسی خود برای مشروعیت‌زدایی از اسرائیل ادامه می‌دهد. طی سه ماه پس از امضای قرارداد اسلو، ساف تهاجم خود به اسرائیل را در مجمع عمومی سازمان ملل با حدود بیست قطعنامه ضد اسرائیل از سر گرفت. در استراتژی جنگ مردمی، مذاکرات تنها ادامه درگیری دائم است نه فرصتی برای دو ملت به منظور رسیدن به یک سازش جدید. این فرآیند در کنفرانس ضد نژادپرستی سازمان ملل در دوربان (سپتامبر ۲۰۰۱) و پروژه مشروعیت‌زدایی از اسرائیل با حذف ارجاعات به کشتار جمعی و جایگزین کردن رنج مردم فلسطین تحت «ظلم شبه نازیس» اسرائیل جمع‌بندی شد.<sup>۵۸</sup>

### ضدیت با نظامی‌گری

با اینکه جنبش‌های صلح بیانگر آزادی اظهار عقیده مشروع در تمام جوامع دموکراتیک هستند، جنبش صلح اسرائیل مورد توجه ساف قرار گرفته است. با این حال هر دو طرف، درگیری را به صورتی کاملاً متفاوت می‌بینند. در بسیاری از موارد با آنکه جنبش‌های صلح اسرائیل در پی گشودن باب گفتگو برای یافتن روش‌های پایان بخشیدن به درگیری هستند، رهبران فلسطین بر این باورند که کمک به جنبش‌های صلح یکی از روش‌های افزایش ضدیت با نظامی‌گری و ایجاد اختلاف در جامعه اسرائیل است.

محمود عباس پس از آغاز خشونت فلسطینیان خطاب به اعراب اسرائیل گفت: اگر شما دنبال کمک به ما هستید، با ارائه کمک‌های مالی [به حکومت خودگردان] و بر پایی تظاهرات صلح همراه با جنبش‌های صلح اسرائیل این کار را صورت دهید.<sup>۵۹</sup>

## تأمین اطلاعات و جلوگیری از افشای آن به دشمن

در رفتار جنگ مردمی، گروه شورشی باید به منظور انجام عملیات مؤثر دارای اطلاعات عالی باشد. ساف در جمع‌آوری اطلاعات و حصول درک کامل از جامعه اسرائیل موفق بوده است.<sup>۶۰</sup> این سازمان از سیاستمداران عرب - اسرائیلی نظیر احمد طیبی به عنوان مشاور یاسر عرفات استفاده کرده است. رهبران ساف روابط نزدیکی با سازمانهای غیر دولتی اسرائیل و مقامات سابق اسرائیل در بخشهای نظامی و غیرنظامی دارند. و در موارد بسیاری از جمله نحوه مواجهه دیپلماتیک با دولتهای اسرائیلی، با آنان رایزنی می‌کنند و در عین حال، با فلسطینیانی که مشکوک به همکاری با اسرائیل هستند رفتار بی‌رحمانه‌ای دارند و آنان را توسط گروههایی نظیر «تنظیم»، برای عبرت دیگران در ملاء عام اعدام می‌کنند.

## مبارزه برای کسب قدرت

دولت خودگردان فلسطین از طریق رقابت برای کسب قدرت، به خصوص در شهرهای عرب‌نشین جلیله و مناطق تحت تسلط کامل اسرائیل، به اخلال در استقلال و تمامیت ارضی اسرائیل پرداخته است.<sup>۶۱</sup> بسیاری مناطق برای یهودیان ناامن شده و سازمانهای دولتی نیز به دلایل امنیتی قادر به ارائه خدمات نیستند.<sup>۶۲</sup> موج ساخت و سازهای غیرقانونی در بیت‌المقدس که تا حدودی توسط حکومت خودگردان و کمکهای مالی عربستان سعودی برای دفاع قانونی از فلسطینی‌ها سازماندهی می‌شود، نشانگر همین چالش است.<sup>۶۳</sup> «خانه شرقی» چیزی نظیر دفاتر شهرداری بیت‌المقدس شرقی با محافظان مخصوص خود بود که توسط دولت اسرائیل تعطیل شد. این حضور نیمه رسمی حکومت خودگردان را برای پذیرایی از مقامات خارجی و تماس با همفکران اسرائیلی ممکن می‌ساخت.

## ایجاد پناهگاه‌های امن و امکان جابجایی

نیروهای دفاعی اسرائیل تلاش زیادی برای پیشگیری از ساخت پناهگاه‌های امن و امکان جابجایی دشمن صورت داده‌اند. بسته شدن فرودگاه «دهانیه» و بندر «غزه»، بر پایی دیوار حائل، کاهش تعداد دفعات عبور و مرور مقامات حکومت خودگردان و



نیز استفاده گسترده از بلوکهای جاده‌ای برای امنیت اسرائیل دارای اهمیت حیاتی بوده است. این اقدامات دفاعی نه به منظور ایجاد مزاحمت برای غیرنظامیان، بلکه از زمانی که رهبران فلسطینی به تعهدات خود عمل نکردند، ضروری گردید.

### واکنش اسرائیل به «جنگ مردمی»

با اینکه اسرائیل در مقابله با چالشهای نظامی موفق بوده اما در بُعد سیاسی فاقد دستاورد چشمگیری است. اسرائیل در مورد مسائل خارجی، از جمله روابط خارجی، پس از اظهار نظر رسمی «موشه دایان» در مورد وجود نداشتن سیاست خارجی برای اسرائیل، فاقد یک سنت سیاسی نهادینه است. اسرائیل تنها یک سیاست دفاعی دارد.<sup>۶۴</sup> متأسفانه دشمنان این کشور از این نقطه ضعف بهره برده‌اند.

ضعف اصلی اسرائیل ناشی از نداشتن اهداف سیاسی تعریف شده و استعداد سیاسی آن در تطبیق قابلیت نظامی است. این موقعیت تا حدودی مشتق از این نظر منسوخ شده است که امنیت اساساً یک مسأله نظامی است. بنابراین با آنکه ساف مبارزه خود را مطابق پارادایم «جنگ مردمی» دنبال کرده و مبارزه سیاسی با اسرائیل را بر مبارزه تروریستی خود مقدم نموده است، اسرائیل تا زمان امضای پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ تنها به صورت نظامی واکنش نشان داده است. پس از سال ۱۹۹۳، دولت اسرائیل با آغوش باز از ساف استقبال کرد؛ زیرا این سازمان اعلام کرد که مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته است حتی اگر به برنامه جنگ سیاسی خود با حکومت اسرائیل تعهد داشته باشد.

طی دو دهه پیش از اسلو، ساف با هدایت سیاستمداران سوسیالیست از جمله «برونو کریسکی» اتریشی، به دنبال کسب حمایت‌های سیاسی بود؛ سخنرانی یاسر عرفات در روز سیزدهم نوامبر ۱۹۷۴ در سازمان ملل؛ پذیرایی کریسکی از عرفات به عنوان رئیس یک حکومت در وین در ژوئیه ۱۹۷۹؛ سازماندهی نشست‌های در دسامبر ۱۹۸۸ با حضور چند رهبر یهودی آمریکا برای عرفات توسط کریسکی و با حمایت وزارت امور خارجه آمریکا.<sup>۶۵</sup> بازدیدهای مکرر عرفات از «وال آفیس» پس از ۱۹۹۳؛ و دریافت جایزه صلح نوبل به همراه اسحاق رابین و شیمون پرز در دسامبر ۱۹۹۴ با اینکه به نظر می‌رسید اعتبار بین‌المللی اسرائیل در حال افزایش است، این امر تنها به صورت موقت ادامه یافت. به محض اینکه ساف در مذاکرات صلح به بن‌بست

رسید، موقعیت دیپلماتیک اسرائیل بدتر شد در حالی که پیروزیهایش افزایش یافت. در عین حال، موقعیت سیاسی اسرائیل تحت تأثیر دو مورد تضعیف شد: تصمیم به توقف در دفاع از موضع خارجی اسرائیل؛ کم‌رنگ شدن روابط سنتی با یهودیان پراکنده در سطح جهان.

یک دهه قبل، شیمون پرز، نخست وزیر وقت، به طور رسمی تصمیم به پایان بخشیدن به سیاست اطلاع‌رسانی اسرائیل گرفت.<sup>۶۶</sup> در پی این تصمیم، فلسطینی‌ها با استفاده از تخصص قابل ملاحظه کسب شده طی سالها مبارزه، تلاشهای خود را برای تخریب مشروعیت اسرائیل و استفاده از تبلیغات به عنوان «یک روش جنگ سیاسی» تشدید کردند.

علاوه بر این، فرآیند اسلو منجر به کاهش حمایت لابی‌های یهود در سراسر جهان شد. عقل متعارف این برداشت را داشت که یهودیان پراکنده دیگر اهمیتی برای اسرائیل ندارند. یک نویسنده معروف اسرائیلی به نام «ا. ب. یوشع» به یهودیان آمریکا گفت: «ما نیازی به شما نداریم».<sup>۶۷</sup> دکتر «یوسی بیلین» از وزارت امور خارجه نیز خطاب به آمریکایی‌ها گفت: شما از من می‌خواهید تا گدایی کنم و برای مردم فقیر درخواست پول کنم. اسرائیل یک کشور ثروتمند است.<sup>۶۸</sup>

این تغییر نگرش نشانگر ناآگاهی بود و موجب رنجش یکی از حامیان سیاسی کشور یهود گردید. تقریباً یک دهه بعد، «استیون ویند مولر» اثرات این برنامه شالوده شکنی را تشریح نمود:

پس از پیمان اسلو، یک واقعیت جدید رخ نمود. شماری از سازمانهای روابط اجتماعی و مدنی یهودی شروع به انهدام زیرساختهای نهادینه لابی اسرائیل کردند. تأثیر این تغییرات ساختاری در اواسط دهه ۱۹۹۰ را می‌توان در یک نسل کامل از یهودیان جوان آمریکایی مشاهده کرد. کاهش سطح تعهد این نسل از یهودیان آمریکایی که اسرائیل را جزء مکمل ماهیت یهودی خود به حساب نمی‌آورند کاملاً آشکار است.<sup>۶۹</sup>

دلیل دیگر برای ضعف سیاسی اسرائیل، مربوط به حضور پر رنگ ژنرالهای سابق در دستگاه تصمیم‌گیری سیاسی است. بسیاری از این افراد فاقد تخصص در خدمات مدنی، تجارت و دانشگاه بوده و فاقد مهارت، دانش، تجربه و مسئولیت لازم برای

رهبران سیاسی غیرنظامی می‌باشند. برخی از این افراد که دوره جوانی خود را در جنگ سپری کرده‌اند، ژنرالهای بازنشسته‌ای هستند که می‌خواهند کار خود را با عنوان «بر پا دارنده سازش» به پایان برند. برخی دیگر تمایل دارند تا به صورت یک جانبه و بدون مشاوره با شخصیت‌های سرد و گرم چشیده سیاسی عمل کنند. گاهی نیز توجهی به فرآیند دموکراتیک نشان نمی‌دهند.

تصمیم‌گیرندگان اسرائیل برای مواجهه با چالش فلسطین تا حدودی بر جنبه‌های نظامی تهدید، نظیر انهدام زیر ساخت مبارزه مسلحانه یا جمع‌آوری تسلیحات غیر قانونی تأکید دارند. با این حال رهبران اسرائیل به این چالش سیاسی که ساف با استفاده دائم از «استراتژی مراحل» ایجاد کرده است، واکنش نشان نداده‌اند و بنا اینکه نیروی اطلاعات نظامی اسرائیل از عدم تمایل عرفات برای خلع سلاح حماس و جهاد اسلامی خبر داده است، تا اوایل سال ۲۰۰۱ مقاصد ساف در رسیدن به یک صلح واقعی (که مخالف استراتژی مراحل سال ۱۹۷۴ و محو کامل اسرائیل است) مورد سؤال قرار نگرفته است.<sup>۷۰</sup>

طی دهه گذشته، امیدواری اکثر تصمیم‌گیرندگان اسرائیلی، رسیدن به تفاهم با فلسطینی‌ها به هر قیمت برای ترجیح «صلح بد» به «جنگ خوب» حتی به قیمت «قربانیان زیاد» بوده است.<sup>۷۱</sup> به نظر می‌رسد که آنها این تفاهم را داروی حل مشکلات می‌دانند. به علاوه سیاست اسرائیل بر اساس نوآوریهای کوتاه مدت، احتمال یک «درگیری مستمر» را در نظر نگرفته است در حالی که دکترین جنگ مردمی، بعد زمانی را به بهترین نحو مورد استفاده قرار می‌دهد. در نتیجه، سرمایه انسانی و اقتصادی اسرائیل طی یک دهه بعد، به میزان زیادی کاهش یافته در حالی که دشمن قوای نظامی و سیاسی خود را افزایش داده است. اسرائیل با پیروی از این سیاست و ارائه ابتکار عمل به دیگران دچار خسارات زیادی شده است در حالی که عرفات و سازمان وی با پیروی از یک طرح مشخص، هدف خود را دنبال کرده‌اند.<sup>۷۲</sup> در این زمینه «هانا آرنه» به خوبی گفته است:

یکی از معضلات جهان خارج، برای کنار آمدن با نظام‌های تک حزبی و خودکامه این است که به رد یک نظام و پذیرش نظام دیگر می‌پردازد؛ از یک طرف بزرگی دروغهای نظام تک حزبی و خودکامه، عدم انجام آنهاست و از طرف دیگر می‌توان

از کلمات رهبر بدون توجه به مقاصد اصلی آن سود جست. متأسفانه نظام تک حزبی و خودکامه بر خلاف این نتایج عادی است، سادگی آن دقیقاً بر اساس حذف این واقعیت است که نقاب از چهره دروغگو بر می‌دارد یا وی را وادار به تظاهر می‌سازد.<sup>۷۳</sup>

نقش آمریکا در وضعیت فعلی اسرائیل نیز باید مورد تأمل قرار گیرد. «باری روبین» پس از سقوط کلینتون و آغاز ریاست جمهوری بوش، سیاست آمریکا را که ظاهراً در کوتاه مدت خنثی اما در بلندمدت مانع پیشبرد صلح و ثبات در منطقه است را این گونه تشریح کرد:

با توجه به استراتژی بلند مدت در منطقه باید گفت که آمریکا تا حدود زیادی در وضعیت میانجی موافقت‌نامه‌های صلح باقی مانده است، هر چند به نظر می‌رسد این موافقت‌نامه‌ها در آینده نزدیک صورت عمل به خود نگیرند (و در صورت تحقق نیز نمی‌توان انتظار همکاری رهبران مورد مذاکره اسرائیل را داشت).<sup>۷۴</sup>

سیاست آمریکا در محکوم کردن «چرخه خشونت»، ادعای «بی طرفی» و «تحت فشار قرار دادن هر دو طرف» نشانگر یک مصالحه اخلاقی و تبلیغات لازم برای وجود تجارت بیمار است. گرچه این مسائل هرگز پذیرفته نشده‌اند، اما هزینه عملی این رویکرد، تحمل «سطح قابل قبولی» از قربانیان ترور غیرنظامیان اسرائیل است. مهمترین برنده این رویکرد، حکومت خود گردان فلسطین است نه اسرائیل؛ زیرا آنها در این معامله با کلاهبرداری پیروز شده‌اند. همان گونه که آمریکا، اسرائیل را برای پذیرش نقض توافق موشکی مصر پس از جنگ فرسایشی ۱۹۷۰ تحت فشار قرار داد تا سکوهای پرتاب موشک خود را نزدیک کانال سوئز مستقر نماید، کابینه دولت آمریکا از این پارادایم با فلسطینی‌ها در دوره پس از پیمان اسلو پیروی کرده است.<sup>۷۵</sup>

### اسلو یک پایگاه سرزمینی به فلسطینی‌ها اعطاء نمود

ما تجربه ملت دیگر را برای شرایط خودمان می‌پذیریم. شرایط جغرافیایی اینجا مانند الجزایر یا ویتنام نیست. ما نباید

فرا تر از محدودیتهای ناشی از شرایط نظامی، مادی و طبیعی حرکت کنیم اما می‌توانیم بر این محدودیتها غلبه کنیم و این کار در صورت انطباق استراتژی ما با آنها عملی خواهد بود.<sup>۷۶</sup>

«یاسر عرفات، اواخر دهه ۱۹۶۰»

ساف از نخستین روزهای «مرحله آزاد سازی کامل» (۱۹۷۴-۱۹۶۹) فاقد گزینه تحمیل جنگ چریکی دائم علیه اسرائیل بود. اجرای کامل پیمان اسلو موجب اعطای یک پایگاه سرزمینی به ساف شده و گزینه تحمیل جنگ چریکی دائم علیه اسرائیل را به منظور نیل به اهداف استراتژیک آن ارائه می‌دهد. «پیروزی در این رقابت» به معنای حاکمیت یک دولت و شکست به معنای محو شدن یک دولت (یا رژیم) است.<sup>۷۷</sup>

برای بررسی این موقعیت، ارزیابی مجدد فرضیات اصلی سیاست اسرائیل ضروری است. این حقیقت که اسرائیل با یک جنگ مردمی روبروست به این معناست که هیچ «فرآیند صلحی» به معنای پذیرفته شده واژه، وجود نداشته و تفاهمی نیز شکل نخواهد گرفت. هیچ معامله‌ای وجود ندارد، بلکه یک جنگ مستمر چند دهه‌ای وجود دارد که هدف آن تضعیف حکومت یهود برای انهدام آن است. مذاکرات و توقفهای گاه و بیگاه به عنوان تاکتیک، تابع هدف بزرگتر دشمن که همانا قادر ساختن آن به کسب سرزمین بدون درگیری می‌باشد، است.<sup>۷۸</sup>

به نوشته «دبوید ماکوفسکی»، نتایج این نوع برخورد مانند مذاکرات «طابا» تنها افزایش هزینه‌های اسرائیل برای تفاهم در مذاکرات آتی است. و «جابجا کردن امتیازات» نامیده می‌شود.<sup>۷۹</sup> این مذاکرات همچنین به طرف دیگر فرصت می‌دهد تا نتایج حاصله را جمع‌بندی کرده و مشروعیت لازم را برای قابل احترام بودن به دست آورد.

طبق این تحلیل، تصمیم گیرندگان اسرائیلی از قصد و توانایی دشمن آگاهی کافی نداشته و قدرت نسبی خود را بیش از حد جلوه داده‌اند. اگر استراتژی دشمن را به همراه دکترین یکپارچه سیاسی و نظامی آن ملاحظه کنیم، برتری اسرائیل به میزان زیادی کاهش می‌یابد. اگر اسرائیل می‌خواهد بقای خود را تضمین کند باید استراتژی دشمن و جنگ مردمی آن را با شکست مواجه سازد. به طور مشخص یک نیاز ضروری به ارزیابی مجدد تهدید علیه اسرائیل و جلوگیری از تقویت دشمن و

اجرای استراتژی آن دیده می‌شود. اسرائیل باید دکترین خود را با اهداف نظامی و سیاسی روشن و تعریف شده مورد بازبینی قرار دهد. برخی از این اهداف باید شامل موارد ذیل باشند:

۱- تضمین بقای حکومت اسرائیل به عنوان یک کشور یهود و حفاظت از جان شهروندان آن؛

۲- دفاع فعال از مشروعیت آن؛

۳- انجام فرآیند یکپارچه‌سازی حکومت اسرائیل با ساختار جهان دموکراتیک.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### ضمیمه: اندیشه استراتژیک استفان پوسونی

این مقاله، از نوشته‌های استفان پوسونی (۱۹۹۵-۱۹۱۳) - استراتژیست گمنام ولی بسیار مهم آمریکایی - استفاده زیادی کرده است. وی که در وین متولد شده بود، در سال ۱۹۳۰ دکترای خود را در تاریخ و اقتصاد دریافت نمود. در سال ۱۹۳۸ (همان سالی که نخستین کتاب مهمش، «جنگ فردا» منتشر شد) به پاریس نقل مکان کرد.

پوسونی که در زمان سقوط پاریس مشاور جنگ روانی وزارت خارجه فرانسه و مشاور نیروهای مسلح فرانسه بود به اسارت یگانهای گشتاپو در آمد، اما فرار کرد و با عبور از کوههای پیرن در سال ۱۹۴۰ به آمریکا گریخت. وی به همراه انیشتین در دانشگاه پرینستون و مؤسسه مطالعات پیشرفته مشغول به کار شد. وی مسائل متعدد قرن بیستم از جمله کمونیسم، جنگ روانی و هدفیابی استراتژیک را مورد مطالعه قرار داده است.<sup>۸۰</sup> طی جنگ دوم جهانی وی می‌دانست که نازیسم شکست خواهد خورد و کمونیسم چالش بعدی خواهد بود. وی در فرایند تأثیرگذاری بر امپراطوری ژاپن برای تسلیم ژاپن نقش کلیدی داشت.

پوسونی به عنوان رئیس مطالعات بین‌المللی و مقام ارشد مؤسسه «Hoover» در دانشگاه استنفورد، عقاید خود را در مورد سیستم‌های فضایی پدافند ضد موشکی و استفاده از تسلیحات هدایت شونده از طریق انرژی از فضا ارائه کرد که مورد نظر فرماندار کالیفرنیا، رونالد ریگان نیز قرار گرفت و هنگام ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۰ آنها را پذیرفت. (پوسونی و نویسنده همراه وی جری پورنل، کتاب «استراتژی فناوری» را نوشتند که الهام‌بخش «اقدام دفاع استراتژیک» بود.<sup>۸۱</sup>)

ریچارد آلن، یکی از افراد تحت حمایت وی، که در سال ۱۹۸۱ مشاور امنیت ملی ریگان شد رابط پوسونی و کاخ سفید بود.<sup>۸۲</sup> (ژنرال الکساندر هیگ رئیس ستاد کاخ سفید که بعداً وزیر امور خارجه شد، یکی دیگر از افراد تحت حمایت پوسونی بود.) ریگان این نظر پوسونی را که آمریکا و غرب باید از برتری فناوری خود برای پیروزی در جنگ سرد بهره‌مند شوند، پذیرفت.<sup>۸۳</sup> سایر نظرات وی نیز در استراتژی جامع کابینه ریگان برای فروپاشی اتحاد شوروی مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۸۴</sup>

در این مقاله به تحلیل وی از جنگ شورشگری و دکترین نظامی کمونیست اشاره شده است.

1- Sun Tzu, *Art of war*, Samuel B. Griffith, te. And ed. (New York: Oxford University Press, 1963), p. 77.

2- <http://www.mfa.gov.il/mfa/go.asp?MFAHOcc40>. Between. September 29, 2000, and June 1. 2003, Magen David Adom treated a total of 5,456 casualties as follows: 688 killed, 478 severely injured, 685 moderately, and 3,605 lightly injured, among them 11 MDA staff members; <http://www.mfa.gov.il/mfa/go.asp?MFAHOIa50>.

3- E.g. Arafat's speech of May 10, 1994, in a Johannesburg mosque. Yossi Melman, "Don't Confuse Us with the Facts," *Haaretz*, August 16, 2002. Also, Yehoshua, "Abu - Mazen: A political profile." MEMRI Special Report 16 (April 30, 2003).

4- Yossef Bodansky, Arafat's "Peace Process," ACPR Policy Paper 18 (1977): 4.

5- <http://memri.org/bin/articles.cgi?Page=archivs&Area=sd&ID=SP23601>.

۶- حکومت خود گردان از سال ۱۹۹۶ انتخابات عمومی برگزار نکرده است. توافق موقت اسرائیل و فلسطین در مورد کرانه باختری و نوار غزه که در دسامبر ۱۹۹۵ به امضا رسید، مقرر می‌دارد که شورا و رئیس اجرایی آن باید برای دوره انتقالی کمتر از پنج سال پس از امضای توافق غزه - اریحا در سال ۱۹۹۴ انتخاب گردد.

لازم به ذکر است که عرفات در ژانویه ۱۹۹۶ با اکثریت ۸۷/۳ درصد (درست مانند پیروزی انتخاباتی کمونیست‌ها در لهستان پس از جنگ سال ۱۹۴۷)، به عنوان رئیس اجرایی شورا انتخاب شد. فیدل کاسترو نیز پس از رسیدن به قدرت در سال ۱۹۵۹ قول انتخابات دموکراتیک را در عرض سه سال ارائه کرد.

7- Hannah Arendt, *The Origins of Totalitarianism*, 2nd ed. (New York: Meridian Books, 1959), p.378.

8- Hussam Mohammad, "PLO Strategy: From Total Liberation to Coexistence"; <http://pij.org/site/vhome.htm?g=a&aid-4282>. See also Gerard Chaliand, *The Palestinian Resistance*, trans. Michael Perl (Harmondsworth: Penguin, 1972).

9- Barry Rubin, *Revolution until Victory? The Politics and History of the PLO* (Cambridge, Mass: H.U.P, 1994), p.24.

10- Raphael Danziger, "Algeria and the Palestinian Organization," in *The Palestinians and the Middle East Conflict*, Gabriel Ben - Dor, ed. (Tel Aviv: Turtledove, 1979), p.348.

11- Ibid.

12- Ibid, pp. 364 - 365. See particularly the subsection, "Some Diplomatic and propaganda Techniques," of Richard Pipe's chapter. "Some Operational Principles of Soviet Foreign Policy," in M. Confino and S. Shamir, *The USSR and the Middle East* (Jerusalem: Israel Universities Press, 1973), pp. 18 - 20.

13- See Baruch Hazan, "Involvement by Proxy: Eastern Europe and the PLO, 1971-1975," *ibid*, pp. 321 - 40.

14- See Lon Mihai Pacepa, "The Arafat I Know," *Wall Street JOURNAL*,



January 10, 2002.

15- Neil C. Livingston and David Halevy, Inside the PLO (New York: Morrow, 1990). P. 141.

16- Yuval Arnon - Ohana, The PLO: Portrait of an Organization (Hebrew) (Tel Aviv, 1985), p.107. "Muhammad A - Sha'ar, PLO representative in Moscow, declared in February 1981, many hundreds of Palestinian officers at the rank of division commanders have graduated Soviet military academies."

17- See "Palestinian Leader: Number of Jewish Victims in the Holocaust Might be "Even Less Than a Mililon ...," MEMRI Inquiry and Analysis Series 95, May 30, 2002; <http://memri.org/bin/opener.cgi?Page=archives&ID=IA9502>.

18- Abu Iyad [Salah Khalaf] with Eric Rouleau, My Home, My Land, trans. Linda Butler Koseoglu (New York: Times Books, 1978) pp. 65- 67.

19- Ibid, 69, and Yossef Bodansky, "Arafat's Peace Process," P.4. In June 1974, the PLO adopted the "phases program/phasedPlan" in a series of resolutions at a meeting of the palestine National Council held in Cairo. Bernard Lewis, "The Palestinians and the PLO; A Historical Approach," Commentary 59 (January 1975): 45, 48.

20- Abu - Iyad. P. 69, as quoted by Yossef Bodansky, p. 4.

21- Al - Dustur (Amman, Jordan), April 14, 1970, quoted by cecil B. Currey, Victory at Any Cost, The Genius of Viet Nam's Gen. Vo Nguyen Giap (Washington: Brassey's, 1997). P. 277. See also Joseph Farah. "Vietnam All Over Again in Mideast?" World Net Daily, December 17, 2002; <http://worldnetdaily.com/news/article.asp?ARTICLEID=30025>.

22- See entry of Khalil al - wazir in Guy Bechor, ed, The PLO Lexicon (The Aviv: Ministry of Defense, 1991), p. 90. See also "Biography of Khalil al - wazir (Abu Jihad)," Encyclopedia of the Palestinians, philip Mattar, ed. (New York: Facts on File, 2000).

23- Y.Harkabi, "Al Fatah's Doctrnine," in The Israel - Arab Reader: A Documentary History of the Middle East Conflict, Walter Laqueur and Barry Rubin, eds. (New York: Penguin Books, 1991). P. 395.

24- Chaliand, The palestinian Resistance, p. 158.

25- Stefan T. Possony, People's War; The Art Combining Partisan - Military, Psycho-Social, and Political Conquest Techniques (Taipei: World Anti - Communist League, 1970), p. 85. [Hereinafter, P.W].

26- See Sun Tzu, Art of War, p. 84. "Offensive Strategy, " Vrese 31: "Therefore I say: Know the enemy and know yourself; in a hundred battles you will never be in peril."

27- Harriet Fast Scott and Wiliam F. Scott, eds, The Soviet Art of War; Doctrine, Strategy and Tactics (Boulder, Colo: Westview Press, 1982. for a Modern and recent history of the Soviet Union, see Milhail Heller and Alexandr Nekrich, Utopia 'in Power; The History of the Sovie; Union from 1917 to the Present, trans. Phylis B. Carlos (New York: Summit Books, 1986).

28- Marshal A. A. Grechko has defined military doctrine as "an officially accepted system of views in a given state and its armed forces on the nature of

war and methods of conducting it and on preparations of the country and army for war. "Scott, Soviet Art of War, p. 4.

29- Mikhail V. Frunze (1885 - 1925), who became chief of staff of the Red Army in May 1924. Had described the Unified Military Doctrine in a publication that first appeared in June 1921. Scott reports that he had been strongly influenced by the writings of the German generals Paul von Hindenburg and Erich Ludendorff, *ibid*, p. 28. See also. "Some Soviet policy and Action (New York: Vintage, 1960), p. 40. Mosely wrote in 1951: "Through Lenin and Stalin, Soviet thinking has fully absorbed the Clausewitz maxims that national strength and strong alliances determine the effectiveness of national policy in peace, and that in war one must never lose sight of the aims of policy for which it is waged".

30- Mao Tse-tung on Guerilla, trans and ed, Samuel N. Griffith (New York: Praeger, 1961), p. 16-17, and Art of War, p. 47. Mao and Chu Teh, with whom he founded the Red Chinese Army, made this decision together.

31- Stefan T. Possony, *A Century of Conflict* (Chicago: Regnery, 1953), p. 235. With regard to this principle, Mao drew on the thinking of Mikhail V. Frunze and Mikhail N. Tukhachevsky, Marshal of the Soviet Union (1882 - 1945).

32- Scott, *Soviet Art of War*, p. ix.

33- "Lin Piao on" *Strategy and Tactics of a People's War* (1965). In Martin Ebon, *The Life and Writings of China's* (New York: Stein and Day, 1970), pp. 228 - 29. This passage may be found in Lin Piao's Key policy statement, "Long live Victory of the People's War!" (1965). Sun Tzu had written: "The worst policy is to attack cities. Attack cities only when there is no alternative." *Art of War*. P. 78. See also Conor Cruise O'Brien's comments on Lin Piao. *On the Eve of the Milenium; The Future of Democracy Through an Age of Unreason* (New York: Free Press, 1994), p. 138.

34- Currey, *Giap*, pp. 319 - 21. For historical background, see Ho Chi Minh, "The Party's Military Work among the Peasants; Revolutionary Guerilla Methods," in *Armed Insurrection*, A. Neuberg [pseud.], Ed. (New York: St. Martin's 1970), pp. 255 - 71. This title was first published in 1928 as *Der bewaffnete Aufstand*.

35- "Interview with Vo Nyugen Giap, Viet Minh Commander," <http://www.pbs.org/wgbh/peoplescentury/episodes/guerilawars/giaptrascript/html>.

36- Currey, *Giap*, p. 204.

37- "While in Hanoi, Abu - Iyad was also educated about the strategic of the 1968 Tet Offensive - a major military defeat of the Vietcong and North Vietnam that was transformed into a major strategic victory of Hanoi through the sophisticated exploitation and manipulation of Western, particularly American, media and public opinion." Yossef Bodansky, "Arafat's Peace Process," p.4.

38- Raanan Gissin, "Low Intensity Conflict with High Resolution: Can We Win?" *Justice* 31 (March 2002): 15 - 16.

39- David Binder, "Soviet and Allies Shift on Doctrine," *New York Times*, May 25, 1988.

40- Stefan T. Possony, *People's War*.

revolutionary power and the gradual weakening, perhaps the destruction. Of

the anti - revolutionary establishment, notably its armed might" (ibid. p. 39).

41- Ibid, p. 86.

42- Ibid, pp. 87-88 "In this sense, a people's war is less a seizure of power than a building of revolutionary power and the gradual weakening , the destruction of the anti – revolutionary establishment, not a bly it's armed might" (ibid.p.35).

43- Ibid, p. 44. For background information on the subject of propaganda. See. E. H. Carr, "Propaganda in International Politics," Oxford Pamphlets on World Affairs 16 (Oxford: Clarendon, 1939); and Philip M. "Taylor, "Propaganda from Thatcher," <http://www.leeds.ac.uk/ics/arts-pt1.htm>.

44- P. W. p. 44.

45- Anti-militarism includes breaches of military disobedience, desertion, and mutiny (ibid p. 34).

46- Ibid, p. 21. See Richard Pipes, "Some Operational Principles of Soviet Foreign Policy." Pp. 13 - 15.

47- Ibid, p. 22.

48- Stefan T. Possony, Waking up the Giant (New Rochelle: Arlington House, 1974), pp. 679 - 80."All the guiding principles of military Operations grow out of the one basic principle: to strive to the utmost to preserve one 's own strength that of the enemy."Selected Works of Mao Tse – tung, vol. 2 (peking: Foreign Languages Press, 1967), p. 81.

49- P. W. p. 45.

50- Amos Harel, "Major General Yaakov Orr," Haaretz, July 13, 2001. See J. S. Fishman."The Broken Promise of the Democratic Peace: Israel and the Palestinian Authority," Jerusalem Viewpoints 477, May 1, 2002.

۵۱- تبلیغات بخشی از جنگ روانی، اما ترور چیززی فراتر از آن است. رژیمهای تک حزبی از ترور حتی پس از نیل به اهداف روانی خود سود می‌برند. ترس واقعی ترور این است که بر یک جمعیت کاملاً تسلیم شده حاکم می‌شود ... به عبارت دیگر، تبلیغات احتمالاً مهمترین ابزار رژیمهای تک حزبی برای مواجهه با جهان دموکراتیک است. در حالی که ترور چکیده شکل دولتی آن است. (هانا آرنه، ریشه‌های توتالیتاریسم، ص ۳۴۴)

52- "Zochrim et Mitchell Techilah? ["Remember Mitchell at the Start?"] Mekor Rishon, June 27, 2003 (Hebrew).

53- During the Oslo years, the Palestinian leadership was in material breach of the military clauses of the interim agreement, seeking to import weaponry like SA-7 shoulder - fired, anti - aircraft missiles and manufacturing Qassam rockets. The Karine - A Weapons ship contained a ton and a half of highly potent C-4 explosives, long ranger mortars (120 mm), and 20 Kilometer - range Katyusha rockets (122 mm) Dore Gold, "Dore Gold, "Defensible Borders for Israel," Jerusalem Viewpoints 500(June 15 - July 1, 2003).

54- "For the remainder of his life, Giap would laugh at a small joke which Ho Chi Minh made about the outcome of the battle. "At Dien Bien Phe," Go chuckled, "Giap lost not a single tank or airplane," Currey. Giap, p. 204.

55- "In the four years leading up to the 1982 war [in Lebanon], it [the PLO] proceeded to upgrade its forces in the south in terms of weaponry and numbers,

and transformed them into something closer to a regular army. "Rashid Khalidi, Under Siege: PLO Decision - Making During the 1982 War (New York: Columbia University Press. 1986).

56- For a definition of supersession, see James Carroll, Constantine 's Sword; the Church and the Jews (Boston: Houghton Mifflin, 2000), p. 633, n. 1.

57- On anti - Jewish teaching of Palestinian Christian leaders, see Yitzhak Sergio Minerbi, "Palestinian Christians Ignite Religious Controversy" (Hebrew), Kivunim Hadashim 8 (April, 2003): 70 - 82.

58- Anne Bayefsky, "Terrorism and Racism: The Aftermath of Durban, "Jerusalem Viewpoints 468 (December 16, 2001).

59- "Abu Mazen in Gaza: Stop the Armed Operations," MEMRI, Special Dispatch 449, December 2002.

60- For an example of the activities of Peace Now in monitoring and reporting on Jewish settlement activity, see Aviv Lavie, "No Mountain Too High," Haaretz Magazine, June 20, 2002, pp. 8 - 11.

61- See, for example, Etgar Lefkovits, "Five Held for Trying to Reestablish Jerusalem PA Security Force," Jerusalem Post, August 19, 2003.

62- Moshe Katz, "It is Also Dangerous Here," Mekor Rishon, Yoman Shevil, July 4, 2003 (Hebrew).

63- Justus Reid Weiner, "The Global Epidemic of illegal Building and Demolitions: Implications for Jerusalem," Jerusalem Viewpoints 498 (May 15, 2008).

64- Conor Cruise O'Brien, The Sissies (New York: Simon & Schuster, 1986), p. 508.

65- Sten Anderson disclosed Kreisky's role in altering Swedish policy in favor of the PLO at the end of 1974 and in involving American Jews in talks with Arafat, Moshe Yegar, Neutral Policy. Theory versus Practice; Swedish - Israeli Relations (Jerusalem: W. J. C. 1993), pp. 153 - 54.

66- Yoram Hazony, The Jewish State; The Struggle for Israel's Soul (New York: Basic Books, 2000), p. 66.

67- Jerusalem Post, April 5, 1996, quoted by Steven T. Rosenthal, Irreconcilable Differences? (Hanover: Brandeis, 2001), p. 175.

68- Washington Post, February 20, 1994, quoted by Rosenthal, ibid.

69- Steven windmueller, "September 11: Its Implications for American Jewry." Jerusalem Viewpoints 492 (February 16, 2003). One result of the process described above was that many young Jewish individuals possessing a strong sense of social justice and idealism but weak ties of identification were left vulnerable to the approaches of pro - Palestinian groups which targeted them for recruitment.

70- Lt. Col. Jonathan D. Halevi, " Understanding the Breakdown of Israeli - Palestine Negotiations," Jerusalem Viewpoints 486, September 15 - October 1, 2002. In the original Heberw version of this article, that appeared in the IDF military affairs journal Maarakhot 383, May 2002, it is noted that this analysis was written on the basis of an IDF document called "The Other view, " which the author prepared in August 2001.

71- In contrast, Harold Nicolson, author and diplomatist who was a member

of the british Delegation in Paris after World War I, wrote, "it is a bad peace which settles nothing. We must see to it, therefore, that at the end of this war [WWII] we do not make a bad peace. We must learn from past experience. "Why Britain is at War (Harmondsworth: Penguin, 1940), p. 113.

72- "In a post - Camp David whirlwind diplomatic tour, Arafat stopped on Jakarta on August 16, 2000, where Indonesia's former president, Abdurrahman wahid, urged him to end the conflict with Israel, The reply? Arafat confessed to me that in a hundred years, Israel will disappear. So why hurry to recognize it? "Yediot Ahronot, May 10, 2002, as cited by David Makovsky, "Taba Mythchief," The National Interest (Spring 2003): 128.

73- Hannah Arendt, Origins of Totalitarianism, p. 384.

74- Barry Rubin, "From one U.S. Administration to Next; similarities and Differences in the push for Arab - Israeli Peace," AJC israel/MideastBriefing (July 3,2001)

75- Dr. Steven Plaut, "The Third worst Middle East War, " (November 27, 2003): <http://chronwatch.com/features/contentDisplay.asp?aid=961>.

76- Danziger. "Algeria and the Palestinian Organizations. " p. 348.

77- P.W. PP.87 - 88.

۷۸- «این مذاکرات توسط انقلابیون به منظور رسیدن به تفاهم با اپوزیسیون صورت نپذیرفت. انقلابها به ندرت خواهان مصالحه می‌باشند. مصالحه تنها برای طرحهای استراتژیک بعدی صورت می‌گیرد. بنابر این مذاکرات برای اهداف دو گانه گرفتن زمان برای حفظ موقعیت (نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی) و فرسایش و منصرف ساختن دشمن صورت می‌گیرند. (گریفیت، مائوتسه تونگ و جنگ چریکی، ص ۱۶).

79- David Makovsky, "Taba Mythchief, " pp. 119 - 29.

80- "His work in the field of strategic was pioneering, Before that, almost all targeting in air warfare was considered a tactical function. " "Stefan Possony; pioneered Air war Strategy in wwll, " Los Angeles Times, May 3. 1995.

۸۱- توسعه و گسترش نیروی مهاجم سیاستی بازدارنده بود سیاست دفاعی امریکا در آن زمان، که دو طرف را دو بار قبل از استقرار آن مجبور به بازنگری نمود. این سیاست به طور مناسبی «انهدام تضمینی دو جانبه» (MAD) نامیده شد. پوسونی چنین استدلال می‌کند که این استراتژی به مقدار کافی انعطاف‌پذیر نبود. وی می‌گوید: برای پیشرفت رو به جلو در جنگ سرنوشت‌ساز فناوری، امریکا می‌باید برای انتخاب واقعی یک بقای تضمین شده، تلاش نماید. اگر چه مقدار کمی از فناوری مورد نیاز وجود داشت، اما پوسونی بر این باور بود که نظرات بسیار زیاد «ضد موشکی» که شامل پرتوهای لیزری با انرژی بسیار بالا که از طرف ایستگاههای ماهواره نظامی در مدار زمین شلیک می‌شد، موجب پیشرفت رادارها برای دادن هشدار اولیه و انواع اقدامات فریب الکترونیکی بود که بعدها توسعه پیدا کرد. Stefan Possony"(orbit). The Times, May 2, 1995.

82- Personal communication, Jerry Pournelle, May 18, 2003.

83- Martin walker, "Dark Dreamer of Star wars; Stefan Possony" (obit),

Guardian, May 5, 1995.

84- See, for example: Peter Schweizer, Victory; The Reagan Administration's Secret Strategy that Hastened the Collapse of the Soviet Union (New York: Atlantic Monthly Press, 1994).



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی